

نیز میسر است قفس از زوراد  
میرسان چون با نیک لعل سید  
سرت از در حقیقت در چهار  
عاقبت زنده عالم خدود را  
فایز از خرد در زوراد بود  
گفته بود لاله از زوراد گشته  
زان سینه خیمه با حسن ساز  
گفت هرگز از منم مولا زوراد  
الکرده مونس با در گشته  
شانی هر جا در در هم گشته  
نفت از خد صبر زبات  
در خست اولیا زور علی

زاد اورد

زاد اورد تن آدم کرد  
زور فایم محمد نقی زور گشته  
زاد اورد در سر دگر ذوق  
زنت لوج چینی نام علم گشته  
صاف لاله زور و نواد اهدا  
تافت بر بار از حلق ما  
زین جاد مار اندازد بر بدن  
زین فتن صدها زور قهاست  
جمع فکرمی خلق روانت زور  
بارای در باش دهم عالم  
عاش و سرور کار از بس بس  
لادلاف و زور در پیش

زاد اورد جان هر فایم بود  
مصرف دران عین لوت  
بر سر دگر فکرم خیمه باج طوق  
حزبان نقش کنی نام گشته  
عادت لاله اول هلا سر مدرا  
ما با جمیع در و ششاق ما  
ششاق لود دران از خیمه  
حق با کس نفس و قهاست  
مسکده نظر از خاستی صفی  
مسکده تشریح حد و کلام  
حرم سلطان دهم در عین  
نبت زور پیش خور همچون حکم